

بررسی اثرات عوامل نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی:

مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه

شاهرخ سعیدی^{*}، حسین صمصامی^{**}، پرویز داودی^{***}

تاریخ پذیرش
۱۴۰۱/۰۴/۲۹

تاریخ دریافت
۱۴۰۰/۰۹/۲۲

چکیده:

در این تحقیق به بررسی اثرات عوامل نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخته شده است. بدین منظور با به کارگیری رویکرد داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۱۸ - ۲۰۱۰ برای منتخبی از کشورهای در حال توسعه، نتایج نشان داد که عوامل نهادی از جمله شاخص‌های مقررات کسب و کار و کارآفرینی نوپا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارند. علاوه بر این، شاخص مقررات کسب و کار، هزینه دولت در آموزش و نرخ رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص فضای کسب و کار در کشورهای در حال توسعه دارند. لذا ضرورت برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌گرا به منظور اجرای الزامات نهادی و قانونی در تسهیل فضای کسب و کار و ترغیب فضای کارآفرینی، همچنین اصلاح و تغییر برنامه‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای و تخصصی با رویکرد تربیت کارآفرینان بالقوه، می‌تواند شرایط مناسب جهت ظهور کسب و کارهای کارآفرینانه، به‌ویژه فناوری محور را فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: فضای کسب و کار، کیفیت نهادی، رشد اقتصادی، داده‌های تابلویی.

طبقه‌بندی JEL: K12, K13, K56

* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه عدالت، تهران، ایران Sh.saeidi@ed.alat.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

H-samsami@sbu.ac.ir

*** استاد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

P-davoodi@sbu.ac.ir

۱. مقدمه

آنچه به عنوان کلید اصلی رشد در ادبیات اخیر مورد توجه قرار گرفته است، دو مفهوم کیفیت نهادها و توسعه مالی است. کیفیت نهادی شرط لازم و ضروری برای ارتقای توسعه مالی بوده و سیاست‌گذاران کشورها باید سیاست‌های مناسبی در جهت بهبود وضعیت حکمرانی اتخاذ نمایند تا توسعه مالی منجر به رشد اقتصادی گردد (احمدپورکچو و دهمرده، ۱۳۹۸). کشورهای در حال توسعه از جهات گوناگون همچون عوامل نهادی، اقتصاد و... با کشورهای صنعتی تفاوت دارند که این وجوه تمایز می‌توانند نوآوری را در این کشورها متأثر کنند.

لزوم توجه ویژه به بحث نوآوری در این کشورها که به طور حتم می‌تواند فرآیند توسعه اقتصادی را پشتیبانی نماید، اهمیت داشته و انجام مطالعات در این زمینه می‌تواند بینش روشنی در مورد عوامل تعیین‌کننده و سازمان‌دهی فرآیندهای آن به دست دهد، این مطالعات می‌تواند با ایجاد تغییر قابل ملاحظه در طراحی و اجرای سیاست‌های نوآوری در کشورهای در حال توسعه، به بهبود و افزایش ظرفیت نوآوری این کشورها کمک قابل توجهی نماید.

پس از نظریات مطرح شده توسط نورث و کوز^۱، مباحث نهادی از طریق بحث روی هزینه‌های مبادلاتی و عوامل اثرگذار بر آن وارد تحلیل‌های اقتصادی شد. از دید نورث (۱۹۹۶) اگر هزینه‌های مبادله بالا باشد، باعث می‌شود که دست نامرئی بازار کار نکند و این موجب سازمان‌دهی متفاوت مبادلات اقتصادی توسط سه عامل دولت، بازار و بنگاه‌ها می‌شود که هر کدام در جایگاه خود می‌توانند بسته به شرایط محیطی کاراترین باشند. کارایی بازار و دولت به طور مستقیم به کارایی نهادی وابسته است. کارایی نهادی به معنی این است که چارچوب نهادی و قوانین و مقررات به گونه‌ای سازمان‌یافته باشند که موجب کاهش هزینه مبادلات برای دولت و بازار شوند. در واقعیت کارایی نهادی و

¹. North and Coase

نبود هزینه مبادلاتی موضوعیت چندانی نداشته و عدم کارایی نهادی و وجود هزینه‌های مبادلاتی در عمل مشهود است (شفیعی و رستم‌زاده، ۱۳۹۹).

در کشورهای در حال توسعه، به‌منظور اتخاذ تصمیمات مناسب توسط سیاست‌گذاران اقتصادی برای توسعه نظام ملی، نوآوری بسیار ضروری است. ویژگی عمده الگوهای رشد درونزا، فقدان بازدهی نزولی نسبت به نهاده‌هایی است که می‌توانند انباشت شوند. این خاصیت باعث می‌شود رشد به طور نامحدود تداوم یابد. این الگوها را می‌توان به سه دسته از الگوهای رشد درونزا با تأکید بر تحقیق و توسعه، سرمایه‌انسانی و عوامل نهادی تقسیم‌بندی نمود. مبانی نظری اقتصاد سیاسی به ایده نهادگرایان برمی‌گردد که بر نقش نهادهای سیاسی در پیشرفت اقتصادی کشورها تأکید دارند. به عقیده آن‌ها عامل فقر و عدم توسعه در کشورهای عقب‌افتاده کمبود پس‌انداز و سرمایه نیست. بلکه فقدان بستر نهادی مناسب برای ایجاد انگیزش در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی است. بر اساس شواهد تجربی، واگرایی فرآیندها در عملکرد اقتصادی کشورها در چارچوب الگوی رشد قبلی قابل تبیین نیست.

چرخش در سیاست‌ها و برنامه‌نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که از اواخر دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد، در گزارش‌های سالانه بانک جهانی از جمله گزارش سال ۱۹۹۷ و تحلیل این نهادها از حوادث پایانی دهه ۱۹۹۰ همچون بحران شرق آسیا متبلور است، به طوری که این دو نهاد مهم بین‌المللی که خود قبلاً طراح سیاست‌های تعدیل اقتصادی بودند، اکنون به منتقدان آن پیوسته و با بهره‌گیری از نظریات نهادگرایانی چون نورث^۱ و کوز^۲ و.. که از اوایل دهه ۱۹۹۰ منتقد سیاست‌های تعدیل بودند، اقدام به ترغیب کشورها به ایجاد بستر نهادی مناسب برای شکل‌گیری رقابت و اقتصاد بازار نموده و دیگر دولتی بودن اقتصادها را عامل اصلی عقب‌ماندگی اقتصادی ندانسته، بلکه حکمرانی بد که وظایف حاکمیتی را به‌خوبی انجام نمی‌دهد را

1. North
2. Coase

عامل عمده دانسته و توانمندسازی^۱ دولت با ایجاد حکمرانی خوب در این کشورها را از برنامه‌های خود معرفی می‌کنند (رودریک و همکاران^۲، ۲۰۰۴).

یکی از دلایل پایین بودن سطح توسعه، سرمایه انسانی است، در این تحقیق به بررسی اثرات عوامل نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۰ پرداخته شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و تحلیل رگرسیونی بوده و از داده‌های آمارهای بین‌المللی استفاده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از داده‌های ترکیبی با نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews استفاده و به برآورد اثر متغیرهای تأثیرگذار بر تابع رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

الگوهای رشد جدید، با کار اولیه رومر (۱۹۸۶) سعی نمودند با معرفی فاکتورهای جدید یعنی اثرات مقیاسی (بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس)، بازارهای غیررقابتی، تحقیق و توسعه و ... به رفع این مشکل بپردازند. برخلاف الگوی رشد برونزا که سیاست‌های اقتصادی تنها در دوره‌گذار اثر سطحی داشتند، در الگوهای رشد درونزا این سیاست‌ها اثرات بلندمدت دارند. از این‌رو سیاست‌هایی مانند آزادسازی اقتصادی و توسعه مالی در الگوهای رشد اقتصادی جایگاه خاصی پیدا کردند. در الگوهای رشد درونزا مانند گراسمن و هلپمن^۳ (۱۹۹۱)، رومر (۱۹۹۰) و کروگمن^۴ (۱۹۹۰)، اثرات رشد تجارت از سه مسیر تحقیق و توسعه، بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس و اثرات سرریز تکنولوژیکی مورد بررسی قرار گرفت. در این الگوها، اثرات رشدی تجارت از طریق اثرات مقیاسی ایجاد می‌شود. این اثرات از طریق فعالیت‌های تحقیق و توسعه که عامل ایجاد اختراع در

1. Capable
2. Rodrik et al.
3. Grossman and Helpman
4. Krugman

کشورها هستند، منتقل می‌شوند. تجارت بین‌الملل، از طریق جریان ایده‌ها و اثرات سرریز تکنولوژیکی، انباشت دانش که بر اختراع کالاها موثر است، را افزایش می‌دهد. همچنین تجارت با عرضه محصولات جدیدتر برای یک کشور، از انتقال منابع از بخش‌های مولدتر آن جهت انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه برای ساخت آن محصول جلوگیری می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت، تجارت یا آزادسازی تجاری در بلندمدت، محرکی برای رشد اقتصادی خواهد بود (وامواکیداس^۱، ۲۰۰۲، ص ۶۱-۶۰).

سرمایه انسانی اصطلاحی است که به مجموعه مهارت‌ها، آموزش، شایستگی‌ها و ویژگی‌های دیگر افزایش دهنده بهره‌وری نیروی کار اطلاق می‌شود (عجم‌اوغلو^۲، ۲۰۰۹، ۸۵). برای حرکت به سوی اقتصاد مبتنی بر دانش و رهایی از اقتصاد تک محصولی لازم است توجه کافی به سرمایه انسانی صورت گیرد (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸). انباشت سرمایه انسانی لازمه رشد بلندمدت (رومر^۳، ۱۹۸۶؛ بارو و لی، ۱۹۹۳؛ بالداجی و همکاران^۴، ۲۰۰۴) و یکی از دلایل تفاوت سطح توسعه کشورهای است (لوکاس^۵، ۱۹۸۸). آموزش و سلامت اجزای سرمایه انسانی را تشکیل می‌دهند (آپلتون و تیل^۶، ۱۹۹۸). با وجود تأکید تعدادی از محققین (بکر^۷، ۱۹۶۴؛ موشکین^۸، ۱۹۶۲؛ فوچس^۹، ۱۹۶۶) بر اهمیت سلامت، در اوایل مطرح شدن سرمایه انسانی، از سطح آموزش برای سنجش سطح سرمایه انسانی استفاده می‌شد و هیچ یک اقدام به الگوسازی تقاضا برای سلامت نکردند. گروسمن^{۱۰} (۱۹۷۲) به‌صورت برجسته‌تری به این موضوع پرداخت و تقاضای

1. Vamvakidis
2. Acemoglu
3. Romer
4. Baldacci et al.
5. Lucas
6. Appleton and Teal
7. Becker
8. Mushkin
9. Fuchs
10. Grossman

سلامت را در قالب نظریه سرمایه انسانی الگوسازی کرد (سورک و همکاران^۱، ۲۰۰۵، ۲۰). امروزه در کنار شاخص آموزش، شاخص سلامت نیز به عنوان متغیر نشان دهنده سطح سرمایه انسانی برای توجیه رشد متفاوت مناطق استفاده می‌شود. اثرات مثبت خارجی بهداشت، منطق انجام مخارج توسط دولت در حوزه بهداشت را فراهم می‌کند (دیسو و همکاران^۲، ۲۰۱۶). دولت‌ها نقش مهمی در برقراری تعامل با ذینفعان و هدایت منافع عمومی به سمت تأمین مالی سلامت دارند (کارین و همکاران^۳، ۲۰۰۸).

نهادگرایی چون هال و جونز^۴ (۱۹۹۹) و عاصم‌اوغلو و همکاران^۵ (۲۰۰۱)، تفاوت در نهادهای سیاسی و قانونی حاکم بر جوامع را به‌عنوان عامل مهم تفاوت در رشد اقتصادی کشورها مطرح کرده‌اند. لذا نهادگرایان از اولین مکاتبی بودند که از نگاه نهادی به بررسی فضای کسب و کار بنگاه‌ها پرداختند و آن را عامل موثر بر رشد اقتصادی معرفی کردند. محیطی که اقتصاد را شکل می‌دهد، بر پویایی‌های کارآفرینی در درون هر کشور اثر می‌گذارد. این محیط از طریق وابستگی‌های متقابل بین رشد اقتصادی و نهادها شناخته می‌شود که بر سایر مشخصات مانند کیفیت حکمرانی، دسترسی به سرمایه و سایر منابع و بر ادراکات کارآفرینان اثر می‌گذارد. نورث (۱۹۹۰) و ویلیامسون^۶ (۱۹۹۸)، نهادها را تعیین‌کننده‌های اساسی رفتار و مبادلات اقتصادی می‌دانند که آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر عرضه و تقاضای کارآفرینان می‌گذارد. در واقع زمان یکه روابط اقتصادی در حوزه‌ای برقرار شود که هزینه‌های معاملاتی مهم باشند، معناداری متغیرهای محیط کسب و کار در تصمیم‌گیری برای اشتغال به فعالیت کارآفرینانه، اهمیت خواهند داشت. نورث (۱۹۹۰) معتقد است هزینه‌های تعیین و تنفیذ قراردادها و هزینه‌های کسب اطلاعات درباره شرایط متغیر بازار، بر کیفیت محیط کسب و کار اثر

1. Suhrcke et al.
2. Dissou et al.
3. Carrin et al
4. Hall and Jones
5. Acemoglu et al.
6. Williamson

می‌گذارد و کیفیت محیط کسب و کار نیز از این طریق فعالیت کارآفرینی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. آثار نورث (۱۹۹۴، ۱۹۹۰)، بینش‌های نظری مهمی درباره توسعه کارآفرینی در محیط‌های مختلف کسب و کار فراهم می‌کند؛ کارآفرینان عاملان اصلی تغییر هستند. فرضیه‌های پژوهش بر اساس مبانی و چارچوب نظری به صورت زیر طراحی شده است:

(۱) شاخص‌های کیفیت نهادی (فضای کسب و کار) بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

(۲) شاخص‌های کیفیت نهادی (کارآفرینی) بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

(۳) توسعه سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

کارگروه فضای کسب و کار^۱ بانک جهانی با توجه به چرخه کسب و کار از زمان شکل‌گیری تا انحلال و وجود قوانین و مقررات، تحمیل هزینه‌های گوناگون و صرف زمان در این چرخه، سالانه شاخص‌هایی کمی و عینی در خصوص مقررات مربوط به آغاز یک کسب و کار و طی مراحل دیگر تا تعطیلی آن برای قریب به ۱۹۰ کشور جهان را تهیه می‌نماید. این شاخص‌های ده‌گانه به شرح زیر مطرح می‌گردند:

۱. شروع کسب و کار: این شاخص فرآیند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت را در نظر می‌گیرد.

۲. اخذ مجوزها: شامل تمامی فرآیندهای لازم‌الرعايه برای اخذ مجوزهای مورد نیاز تا تأسیس و راه‌اندازی یک کارگاه است که مطالعه موردی این شاخص نشان دهنده تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه صرف شده برای دریافت مجوزهای مورد نیاز با استاندارد معین هر کشور است.

۳. شاخص استخدام و اخراج نیروی کار: میزان دشواری استخدام، انعطاف‌ناپذیری ساعت کار، دشواری اخراج، هزینه استخدام و هزینه اخراج را می‌سنجد.

۴. **ثبت مالکیت:** فرآیند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی است. تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه‌های مترتب بر ثبت مالکیت در دفاتر اسناد رسمی سنجش می‌شود.
۵. **اخذ اعتبار:** این شاخص میزان توانمندی و امکان سنجش گسترده، دقت اطلاعات اعتباری و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی است که توسط بخش دولتی یا بخش خصوصی ثبت و در اختیار سایر سازمان‌ها یا افراد قرار داده می‌شود تا بر اساس اعتبار تعیین شده به ارزیابی فعالان اقتصادی پردازند.
۶. **حمایت از سرمایه‌گذاران (سهام‌داران):** در این شاخص بررسی می‌شود که صاحبان سرمایه تا چه اندازه مورد حمایت نهادهای قانونی و رسمی هستند، به‌ویژه در معاملاتی که در آن‌ها منافع مدیران با منافع شرکت یا منافع دولت در تعارض است. این شاخص میزان علنی بودن (افشا) مبادلات مالی، میزان پاسخ‌گویی مدیر، سهولت شکایت برای سهام‌دار و توان حمایت از سرمایه‌گذار را در برمی‌گیرد.
۷. **پرداخت مالیات:** این شاخص مأخذ تعلق مالیات، دفعات پرداخت، زمان و کل مالیات قابل پرداخت را بر حسب درصد از سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی ارزیابی می‌کند.
۸. **تجارت فرامرزی:** تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای صادرات (از بسته‌بندی در کارخانه تا خروج از بندر)، میزان تعرفه‌ها، عوارض و تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای واردات (از پهلو گرفتن کشتی در بندر تا تحویل محموله به انبار کارخانه) و میزان تعرفه‌ها و عوارض را می‌سنجد. در مطالعه موردی صدور و ورود یک محموله استاندارد از راه دریایی در نظر گرفته می‌شود.
۹. **انحلال یک فعالیت:** تعداد مرحله، زمان لازم برای دادرسی (روز) و هزینه پرداخت شده برای پایان دادن به یک فعالیت اقتصادی در این شاخص مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.
۱۰. **الزام آور بودن قراردادها:** زمان و هزینه لازم برای اعلام ورشکستگی و چگونگی

توزیع دارایی‌های شرکت ورشکسته میان طلبکاران را دربرمی‌گیرد.

۳. مطالعات انجام شده در داخل

بختیاری و شایسته (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین بهبود فضای کسب و کار ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان و رشد اقتصادی با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۰ پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد بهبود فضای کسب و کار رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است.

نजारزاده نوش‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی»، نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی کشورها از طریق دو شاخص خود اشتغالی به عنوان شاخصی برای کارآفرینی غیرمولد و نوآوری به عنوان شاخصی برای کارآفرینی مولد را بررسی نموده‌اند و نتایج حاصل از تخمین الگوی رگرسیونی برای ۶۰ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه برای دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۶، با استفاده از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که خود اشتغالی اثر منفی و نوآوری اثری مثبت بر رشد اقتصادی دارد و لازمه نیل به رشد اقتصادی بلندمدت، کارآفرینی بر مبنای نوآوری دانسته شده است.

حسین‌زاده بحرینی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی» به این مطلب اشاره می‌کنند که امروزه بنگاه‌های اقتصادی در راه‌اندازی، به‌کارگیری عوامل تولید و دیگر مراحل کسب و کار با قوانین و مقررات زیادی مواجه‌اند. به نظر آن‌ها مقررات دست و پاگیر اداری در محیط کسب و کار، یکی از موانع مهم تولید و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. آن‌ها معتقدند در کشورهای مختلف جهان، بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع بخش خصوصی، به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. نویسندگان با توجه به اهمیت موضوع، جهت بررسی تأثیر قوانین و

مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی، شاخصی را با عنوان «سختی مقررات کسب و کار» با استفاده از داده‌های بانک جهانی ساخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگو به روش داده‌های تابلویی برای نمونه ۶۲ کشور طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳ نشان می‌دهد که مقررات سخت و پیچیده کسب و کار بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد.

اسدزاده و جلیلی (۱۳۹۳) به بررسی "رابطه کیفیت نهادی و رشد اقتصادی در گروه کشورهای اسلامی" با استفاده از دو شاخص اصلی دموکراسی و حاکمیت قانون برای ۵۳ کشور اسلامی در طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۲ پرداختند. بررسی موضوع با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های تابلویی بوده و عوامل نهادی نیز در دو گروه شاخص‌های حاکمیت قانون (زیر شاخص‌های حاکمیت قانون، رشوه و کیفیت نظارتی) و دموکراسی (زیر شاخص‌های دموکراسی، حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی، استبداد و نوع رژیم سیاسی) استفاده شده‌اند.

صباحی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با استفاده از داده‌های سال ۲۰۰۸ و الگوی رشد درونزای رومر به روش حداقل مربعات معمولی پرداختند که یافته‌های آن‌ها حاکی از اثر معنادار کارآفرینی بر رشد اقتصادی است. در واقع نتایج تحقیق نشان می‌دهد در کشورهای با درآمد سرانه بالا، اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی مثبت و در کشورهای کم‌درآمد و فقیر این اثر منفی است.

عبدالهی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به بررسی اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۶ پرداخته‌اند. آن‌ها در مقاله خود، به دنبال بررسی وضعیت فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بررسی اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران و کشورهای عضو سازمان موصوف بوده‌اند. پژوهش آن‌ها براساس روش تحلیلی با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و اطلاعات آماری بانک جهانی و سایت محیط کسب و کار

است نتایج حاکی از اثرگذاری بیشتر شاخص‌های حمایت از سهامداران خرد، اخذ اعتبار و اجرای قراردادهای بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی است که توجه به این شاخص‌ها و بهبود آن‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی به همراه داشته باشد.

حکمتی‌فرید و همکاران (۱۳۹۵) با استفاده از داده‌های تابلویی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۴ اثر شاخص‌های فضای کسب و کار و مالکیت فکری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط به بالا را مورد بررسی قرار دادند. بررسی نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های فضای کسب و کار شامل شاخص‌های اخذ مجوز، شروع به کار و اخذ تسهیلات، تأثیرگذاری مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارا هستند. همچنین شاخص‌های حقوق مالکیت فکری، حکمرانی خوب (شامل کیفیت قوانین و ثبات سیاسی)، سرمایه ثابت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر تولید سرانه کشورهای با درآمد متوسط به بالا داشته‌اند.

مهربانی و همکاران (۱۳۹۵)، اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی برای یک نمونه منتخب از ۴۴ کشور عضو منا و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۶ با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که رشد اقتصادی ایران به دلیل فقدان محیط کسب و کار مناسب از شرایط مناسبی برخوردار نیست. از سوی دیگر بررسی شاخص‌های فضای کسب و کار حاکی از آن است که این شاخص‌ها در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب از جایگاه مناسبی برخوردار نیست.

۴. مطالعات انجام شده در خارج

چریف^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی در مورد "تأثیر محیط اقتصاد کلان و کیفیت نهادی بر

1. Cherif

توسعه بازار بورس ۱۴ کشور منطقه منا^۱ در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۰ با استفاده از داده‌های ترکیبی و متغیرهای ابزاری به این نتیجه رسیدند که سطح درآمد، نرخ پس‌انداز، نقدینگی بازار سهام تأثیر مثبت و نرخ بهره تأثیری منفی بر توسعه بازار بورس دارند، اما شاخص کیفیت نهادی عامل محرکی برای سرمایه‌گذاری بورس در منطقه نیست.

گوس^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی "رابطه بین نهادها و رشد اقتصادی برای ۱۱۹ کشور در طول ۱۰ سال با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری ساختاری"^۱ پرداخت. با کنترل کردن اثرات ثابت فردی، مشخص شد که شوک‌های خارجی روی شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فری‌زر، به‌عنوان پراکسی برای کیفیت نهادی، اثری مثبت و معنادار بر افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه دارد. با این حال پویایی‌های متفاوتی برای کشورهای پیشرفته و در حال توسعه وجود دارد.

چوپنگ^۲ (۲۰۱۰) به طور نظری به بررسی اثرات حمایتی کشورهای در حال توسعه از حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در اقتصاد جهانی پرداخته‌اند. بدین منظور در این مطالعه از دو کشور توسعه‌یافته آمریکا و در حال توسعه چین بهره می‌برند و فرض می‌کنند هر دو کشور در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما میزان و قابلیت فعالیت‌های نوآورانه در شمال بیشتر از جنوب است. محققان در مطالعه خود از شاخص پارک (۲۰۰۸) برای حقوق مالکیت فکری بهره برده‌اند. نتایج حاکی از آن است که حمایت بیشتر از ثبت اختراعات تنها در یک کشور، رشد اقتصادی و نابرابری درآمد را در هر دو کشور افزایش می‌دهد. همچنین نتایج تخمین دلالت بر آن دارد که افزایش در شاخص پارک^۳ (از صفر تا ۵)، با افزایش در ضریب جینی (از صفر تا یک) در کشورهای در حال توسعه همراه است و چو (۲۰۰۹) بیان می‌کند حمایت بیشتر از

1. Góes

2. Chu and Peng

3. Park

اختراعات ممکن است از دوکانال نابرابری دستمزد و ثروت، نابرابری درآمد را بدترسازد. هگارد و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، در مطالعه خود در ارتباط با حاکمیت قانون و رشد اقتصادی به این نتیجه رسیدند که ارتباط میان آن‌ها در کشورهای صنعتی و پیشرفته بسیار بالاتر از کشورهای در حال توسعه است. همچنین به کار بردن شاخص‌های کلی حاکمیت قانون از اجزای گسسته شاخص حاکمیت قانون بهتر است که بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است.

در پاکستان نیز حسن^۲ (۲۰۱۰)، در بررسی رابطه بین حاکمیت قانون، توسعه و رشد اقتصادی این گونه بیان نموده که حاکمیت قانون و سیستم‌های قانونی قوی پیش شرط توسعه پایدار و ضعف نسبی آن‌ها در جهان در حال توسعه به عنوان مانع اصلی رشد اقتصادی است.

یانگ (۲۰۱۰) در بررسی عوامل موثر بر توسعه انسانی، به مطالعه رابطه توسعه انسانی و اثربخشی دولت با استفاده از شاخص‌های حکمرانی خوب در چارچوب رهیافت داده‌های تابلویی پرداخته و بیان می‌دارد توسعه انسانی، یکی از عوامل بهبود کیفیت نیروی کار و خدمات عمومی و در نتیجه عملکرد اقتصادی است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین کارایی دولت و توسعه انسانی وجود دارد.

آمن‌دولا و همکاران^۳ (۲۰۱۱) به طور تجربی اثر حقوق مالکیت کل را بر نابرابری درآمد ۶۳ کشور در حال توسعه بررسی نمودند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که حمایت از حقوق مالکیت فکری به طور معناداری درآمد را در اکثر کشورهای در حال توسعه بویژه در کشورهایی که از سطوح ضعیف برابری سیاسی برخوردارند، افزایش می‌دهد همچنین ترتیبات نهادی همانند حقوق مالکیت در جهت حمایت از منافع گروه افراد ثروتمند جامعه است.

1. Haggard et al.
2. Hasan
3. Amendola et al.

هرالا، تورک-آریس^۱ (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر انباشت سرمایه انسانی در کشورهای حوزه منا پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی با تشدید شرایط اخذ اعتبارات مانع انباشت سرمایه انسانی در این کشورهاست. نتایج تحقیق هیلایر^۲ (۲۰۱۹) در باب تأثیر حکمرانی بر تأثیرگذاری مخارج دولت در سطح سلامت کشورهای آفریقایی (تحلیل مقطعی) نتایج متناقضی را حاصل کرده است.

۵. روش تحقیق، معرفی الگو و متغیرها

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و تحلیل رگرسیونی است و از داده‌های آمارهای بین‌المللی مانند بانک جهانی^۳، گزارش‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۴، سایت فضای کسب‌کار^۵، مطالعات کتابخانه‌ای و... استفاده می‌شود. داده‌های مربوط به فضای کسب و کار از بانک جهانی و سایت فضای کسب و کار و داده‌های مربوط به کارآفرینی از گزارش‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی برای دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۰ استخراج شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از روش معادلات پویای داده‌های ترکیبی با نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews استفاده و بر اساس مطالعات الگوی دجانکو و همکاران^۶ (۲۰۱۶) برای برآورد اثرگذاری متغیرهای تأثیرگذار روی تابع رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه به صورت زیر استفاده شده است.

در واقع ناهمگنی قابل (مشاهده یا غیرقابل مشاهده) مقاطع را نشان می‌دهد. فرض بر این است که این ناهمگنی در طول زمان تغییر نمی‌کند و مختص مقاطع است. یکی از مواردی که باعث تمایز بین روش‌های مختلف برآورد معادله رگرسیونی داده‌های تابلوئی می‌شود، فرضی است که برای لحاظ کردن ویژگی‌های خاص هر مقطع در نظر

-
1. Herrala and Turk-Ariss
 2. Hilaire
 3. www.worldbank.org
 4. www.doingbusiness.org
 5. www.gemconsortium.org
 6. Djankov et al.

گرفته می‌شود. روش ساده این است که اختلافی بین مقاطع در نظر گرفته نشود و عرض از مبدأ یکسان برای تمامی مقاطع در نظر گرفته شود که در این حالت معادله رگرسیونی با استفاده از حداقل مربعات معمولی قابل تخمین است. اگر ناهمگنی بین مقاطع به لحاظ آماری معنادار باشد، و با متغیرهای توضیحی همبستگی داشته باشد، از اثرات ثابت برای برآورد معادله رگرسیون داده‌های تابلویی استفاده خواهد شد و روش تخمین، حداقل مربعات متغیرهای مجازی (LSDV)^۱ نامیده می‌شود. اگر چنانچه اثرات فردی اکیداً با متغیرهای توضیحی همبستگی نداشته باشند باید جملات ثابت فردی طوری الگوسازی شوند که به طور تصادفی بین مقاطع توزیع شوند. باید توجه داشت در این حالت واریانس‌های مربوط به مقاطع مختلف با هم یکسان نیست؛ لذا به منظور برآورد باید از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS)^۲ استفاده شود.

$$= C_{it} + \beta_1 ENTR_{it} + \beta_2 FDI_{it} + \beta_3 KI_{it} + \beta_4 LHC_{it} + INST_{it} + e_{it} Growth \quad (1)$$

که $Growth_{it}$ = رشد اقتصادی در کشور t ام در زمان t ام (نرخ رشد GDP)، C = عرض از مبدأ، $ENTR_{it}$ = شاخص کارآفرینی نوپا در کشور t ام در زمان t ام، FDI_{it} = میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور t ام در زمان t ام، KI_{it} = تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به صورت درصدی از تولید ناخالص، LHC_{it} = کل نیروی کار در کشور t ام در زمان t ام، $INST_{it}$ = شاخص کیفیت نهادی (میانگین شاخص‌های حکمرانی خوب) در کشور t ام در زمان t ام و e_{it} = جمله اخلاص در کشور t ام در زمان t ام است.

در این قسمت از تحقیق الگوی مورد نظر را جهت انجام تخمین‌های لازم، مورد تصریح قرار می‌دهیم و در ادامه به معرفی متغیرهای درونزا و برونزا خواهیم پرداخت. همچنین روش انجام تحقیق و جامعه آماری مورد نظر بیان خواهد شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پژوهش اسنادی و بانک‌های اطلاعاتی استفاده می‌شود. با توجه به این که در این تحقیق رابطه علیت دوطرفه شاخص کیفیت نهادی و رشد اقتصادی را بررسی

1. Least Square Dummy Variable
2. Generalized Least Squares

می‌کنیم، بنابراین کشورهایی که دارای رشد اقتصادی بیشتری هستند از زیرساخت‌های آموزشی مناسب و هزینه تحقیق و توسعه بیشتر در کنار امکانات و تجهیزات فرصت‌های نوآوری برخوردار هستند. بنابراین متغیرهایی که در الگوی اول مورد بررسی قرار گرفته‌اند در مجموع شامل چهار متغیر (شاخص کارآفرینی نوپا، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و کل نیروی کار) است و با این توضیح بیان می‌شود که در رأس آن‌ها متغیر وابسته الگو، یعنی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی که به عنوان شاخصی برای رشد اقتصادی است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق برای بررسی تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی از الگوی (۱) استفاده می‌شود، اما برای بررسی تأثیر رشد اقتصادی بر شاخص‌های نهادی از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

$$INST_{it} = C + \beta_1 Growth_{it} + \beta_2 DBA_{it} + \beta_3 EG_{it} + ENTR_{it} + e_{it} \quad (2)$$

که در آن $Growth_{it}$: رشد اقتصادی در کشور t ام در زمان t ام (نرخ رشد GDP)، $ENTR_{it}$: شاخص کارآفرینی نوپا در کشور t ام در زمان t ام، DBA_{it} : شاخص مقررات فضای کسب و کار در کشور t ام در زمان t ام، EG_{it} : هزینه دولت در آموزش در کشور t ام در زمان t ام، $INST_{it}$: شاخص کیفیت نهادی در کشور t ام در زمان t ام و e_{it} : جمله اخلاص در کشور t ام در زمان t ام است.

در این الگو، تأثیر رشد اقتصادی، شاخص نهادی کارآفرینی بر کیفیت نهادی و هزینه دولت در آموزش که به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند، بر متغیر وابسته شاخص کیفیت نهادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نوآوری در این مطالعه با شاخص حکمرانی خوب ارائه شده توسط بانک جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها حاصل تلاش محققان بانک جهانی به نام‌های دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویید و لوباتون است که یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی تحت

عنوان شاخص‌های حکمرانی را معرفی نموده‌اند. نتیجه کار آن‌ها در قالب شش شاخص و با دادن نمراتی از (۲.۵-) به بدترین حالت تا (۲.۵+) به بهترین حالت و یا رتبه‌بندی از ۰ تا ۱۰۰ برای هر شاخص، ارائه شده است. آمار و اطلاعات لازم برای این پژوهش با استفاده از منابع معتبر آماری نظیر گزارش‌های توسعه انسانی منتشر شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد و داده‌های بانک جهانی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI) به‌دست آمده است. داده‌های مربوط به شاخص آزادی اقتصادی از شاخصی که معرف شاخص "جی‌وارتنی" متعلق به موسسه کانادایی "فریزر" که از میانگین موزون شاخص‌های (ابعاد دولت، ساختار قضایی یا قانونی و حفاظت از حقوق مالکیت، ثبات پولی، آزادی تجارت خارجی و مقررات اعتباری و قوانین کار و تجارت) است، استخراج گردیده است. در این پژوهش شاخص‌های رتبه‌بندی شده حکمرانی خوب (بین ۰ تا ۱۰۰) در کشورهای مورد مطالعه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۶. یافته‌های تجربی تحقیق

۶-۱. مانایی متغیرها

متغیرهای اقتصادکلان اغلب حاوی یک روند تصادفی (ریشه واحد) هستند که با تفاضل‌گیری روند مذکور حذف می‌شود. در روش داده‌های تابلویی که طول دوره سری‌های زمانی آن قابل توجه باشد، برای اطمینان از عدم کاذب بودن رگرسیون، نیاز به بررسی مانایی متغیرهای الگو است که در صورت نامانایی باید آزمون‌های هم‌جمعی نیز مورد بررسی قرار گیرد (محمدی، ۱۳۹۰). اما با توجه به این که تعداد سال‌های مورد بررسی در این مطالعه در روش داده‌های تابلویی کمتر از حدی است که بتوان مانایی متغیرها را بررسی کرد، بنابراین به دلیل محدودیت دوره زمانی (۲۰۱۸-۲۰۱۰)، آزمون ریشه واحد لزومی نداشته و لذا به مباحث مانایی و هم‌جمعی در روش داده‌های ترکیبی

پرداخته نخواهد شد.

۲-۶. پیش آزمون‌های داده‌های تابلویی

۲-۶-۱. بررسی آزمون F لیمر

به منظور استفاده از روش داده‌های تابلویی، ابتدا باید مشخص شود که تفاوت فردی یا به اصطلاح ناهمگنی در مقاطع وجود دارد یا این که مقطع‌ها با هم همگن هستند؟ در برآورد الگوهای ترکیبی با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با الگوی داده‌های تابلویی مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت روش داده‌های تابلویی گفته می‌شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمون F -به نام F -لیمر استفاده می‌شود. در جدول (۱) مقدار آماره آزمون F -لیمر و سطح احتمال آن ارائه شده است.

جدول (۱). نتایج آزمون F -لیمر

نوع داده‌ها	نتیجه آزمون	مقدار احتمال (prob)	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون F
تابلویی	رد فرض صفر	۰/۰۰۲۵۳	(۱۸/۷۵)	۴/۸۷۵۶۱

منبع یافته‌های پژوهش

با توجه به این که مقدار به دست آمده از آزمون F -لیمر (۰/۰۰۲۵۳) کمتر از ۰/۰۵ است، از این رو می‌توان فرضیه صفر مبنی بر روش داده‌های تلفیقی را رد نمود و تابلویی بودن روش تخمین تحقیق را پذیرفت.

۲-۲-۶. بررسی آزمون هاسمن

روش استفاده شده در این تحقیق داده‌های تابلویی است. با توجه به این که در این روش، الگوی مورد نظر با یکی از دو حالت اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی تخمین زده

می‌شود، با استفاده از آزمون هاسمن (با توجه به جدول (۲)) الگو با استفاده از اثرات ثابت تخمین زده شده است، لذا نتایج آزمون هاسمن در جدول (۲) انعکاس یافته‌است.

جدول (۲). نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی الگوی تحقیق

نوع الگو	نتیجه آزمون	مقدار ارزش احتمال	درجه آزادی	مقدار آماره کای دو
اثرات تصادفی	تایید فرض صفر	۰/۱۶۳۴	۸	۸/۸۷۵۵۴

منبع یافته‌های پژوهش

با توجه به این که مقدار احتمال به دست آمده از آزمون هاسمن (۰/۱۶۳۴)، بیشتر از ۰/۰۵ شده است، با سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت سیستماتیک در ضرایب را می‌توان تایید نمود و چون اثرات تصادفی، کارایی بیشتری نسبت به اثرات ثابت دارد، لذا از رگرسیون با اثرات تصادفی استفاده می‌شود.

۳-۶. آزمون تصریح هاسمن

شرط لازم برای برآورد سیستم معادلات همزمان، اثبات درونزایی متغیرهای درونزایی سیستم است. برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. جهت آزمون درونزایی متغیر نرخ رشد اقتصادی در معادله شاخص کیفیت نهادی به صورت زیر عمل شده است:

در ابتدا متغیر وابسته رشد اقتصادی را همراه با متغیرهای مستقل برونزا برآورد کرده و مقادیر پسماندها را به صورت یک متغیر جداگانه جدید در الگوی متغیر وابسته شاخص کیفیت نهادی برآورد می‌کنیم و حال اگر ضریب آن معنادار باشد، نشان می‌دهد که متغیر رشد اقتصادی در معادله شاخص کیفیت نهادی درونزا است. بنابراین بر اساس برآورد ذیل، درونزایی متغیر تولید ناخالص داخلی مورد تأیید قرار گرفت (بالتاجی^۱،

۲۰۱۲؛ گجراتی^۱، (۲۰۱۰).

جدول ۳. نتایج آزمون درونزا بودن متغیر نرخ رشد اقتصادی

نام متغیر	ضریب	مقدار ارزش احتمال
Uit	-۷/۴۲۳۶۱	۰/۰۰۰۲

منبع یافته‌های پژوهش

بر اساس برآورد بالا، درونزایی متغیر شاخص کیفیت نهادی در معادله نرخ رشد اقتصادی مورد بررسی قرار داده و نتیجه آن به صورت ذیل ارائه می‌گردد:

جدول (۴). نتایج آزمون درونزا بودن متغیر شاخص کیفیت نهادی

نام متغیر	ضریب	مقدار ارزش احتمال (Prob)
Uit	-۳/۸۵۷۴۵	۰/۰۰۰۳۶

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۶. تخمین الگو به روش سیستم معادلات پویا

برای حل الگوهای اقتصادسنجی که از طریق متغیرهای مختلف در ارتباط با هم هستند، از روش سیستمی داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود (گجراتی، ۲۰۱۰؛ بالتاجی، ۲۰۱۲). بر اساس جدول (۵)، برآورد الگوی (۱) با متغیر وابسته نرخ رشد اقتصادی ارائه شده و متغیرهای شاخص نهادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی، شاخص کیفیت نهادی و کل نیروی کار متغیرهای مستقل هستند.

جدول (۵). نتایج تخمین معادله نرخ رشد اقتصادی با رویکرد سیستمی داده‌های ترکیبی

Growth = $C_{it} + \beta_1 ENTR_{it} + \beta_2 FDI_{it} + \beta_3 KI_{it} + \beta_4 LHC_{it} + INST_{it} + e_{it}$				
Method: Two-Stage Least Squares				
نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-value

عرض از مبدأ (C)	۲/۴۵۲۳۲	۰/۰۲۳۳۵۶	۱۰۴/۹۹۷۴	۰/۰۰۳۲
ENTR	۰/۰۶۳۲۱۲	۰/۰۰۳۶۴۱۲	۱۷/۳۶۰۲۱	۰/۰۰۰۲
FDI	۰/۵۳۳۶۲	۰/۰۳۲۴۱۶	۱۶/۴۶۱۲۳	۰/۰۰۰۳
KI	۰/۴۲۶۶۱	۰/۰۷۴۲۵۶	۵/۷۴۵۱	۰/۰۰۰۶
LHC	۰/۲۳۵۵۶	۰/۰۳۲۱۶۵۶	۷/۳۳۱۶	۰/۰۰۰۲
INST	۰/۶۳۴۲۲	۰/۰۳۱۶۲	۲۰/۰۵۷۵	۰/۰۰۰۱
آماره های رگرسیون	R2=۰/۹۲۳۳۶	F=۳۵/۷۵۵۶	=۰/۰۰۰۲ احتمال آماره F	D.W=۱/۸۵۲۳

منبع یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد که ضرایب متغیرهای مستقل، معنادار بوده است. از طرفی بیش از ۹۲ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل الگو قابل توضیح است. با توجه به نتایج حاصل از تخمین معادله رشد اقتصادی (جدول (۵)) مشاهده می‌شود که در این معادله ضریب متغیر شاخص کیفیت نهادی، در سطح ۹۵٪ معنادار است. علامت مثبت این ضریب به این معنا است که با افزایش کارآفرینی و نوآوری، رشد اقتصادی بیشتر شده و نابرابری اقتصادی کاهش می‌یابد. بنابراین اغلب کشورهای مورد مطالعه کارایی محور هستند و تأثیر مثبت افزایش شاخص کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه با ارتقای بهره‌وری کشور توضیح داده می‌شود. البته از طرفی اثر غیرمستقیم ناشی از افزایش کارایی بخش‌های مختلف اقتصادی باعث بیشتر شدن بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی بیشتر خواهد گردید. از سوی دیگر مطابق نظریه رقابت‌پذیری ناشی از ظهور کسب و کارهای نوپا نیز به طور غیرمستقیم کیفیت و کمیت تولیدات مولد اقتصاد را بهبود بخشیده و بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد (الیاسون^۱، ۱۹۹۶؛ کرزنر، ۱۹۷۳).

در بررسی رابطه سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی در الگوی تحقیق، علامت ضریب مثبت و معنادار است که حاکی از اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر

¹Eliasson

رشد اقتصادی خواهد بود و از طرفی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها باعث ایجاد فرصت‌های تجاری جدید، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، افزایش ظرفیت تولید و بهره‌وری و در نهایت باعث رشد اقتصادی خواهد شد. همچنین با توجه به جدول فوق، اثرگذاری متغیر سرمایه ثابت ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار بوده و بیانگر این است که انباشت سرمایه فیزیکی در کشورها، در ارتقای تولید و بهره‌وری می‌تواند موثر باشد.

اثر متغیرهای سرمایه انسانی (HC) و کیفیت نهادها (INST) بر رشد اقتصادی در این برآورد مثبت است، بدین معنی که این دو متغیر در جهت بهبود رشد و توسعه اقتصادی این جوامع حرکت می‌کنند و تا حدودی از وقوع پدیده بلای منابع جلوگیری می‌کنند. ارتقای کیفیت نهادها و سطح توسعه انسانی در جوامع مورد بررسی، می‌تواند مانع رشد اقتصادی شوند. اثرهای تقاطعی هر دو شاخص سرمایه انسانی و کیفیت نهادها بر رشد اقتصادی مثبت است. بنابراین، می‌توان نتیجه‌گرفت که دو شاخص می‌توانند از وقوع بلای منابع جلوگیری کنند.

جدول شماره (۶) معادله مربوط به شاخص کارآفرینی نوپا است که "متغیرهای نرخ رشد اقتصادی"، "شاخص مقررات کسب و کار"، "کیفیت نهادها" و "هزینه دولت در آموزش" متغیرهای مستقل این معادله هستند. ضرایب متغیرهای مستقل بر اساس نتایج جدول (۶) معنادار بوده که نشان دهنده معناداری آماره کل رگرسیون است. از طرفی بیش از ۹۴ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل الگو قابل توضیح است.

نتایج حاصل از برآورد نشان می‌دهد، متغیر رشد اقتصادی که در این معادله دارای اثر مثبت و معناداری بر شاخص کیفیت نهادی است. از طرفی بیشتر مطالعات، نشان دهنده رابطه یک طرفه تأثیر کیفیت نهادی (شاخص کارآفرینی و فضای کسب و کار) بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است و نوآوری این تحقیق بیانگر این است که

همزمان رابطه دو سویه رشد اقتصادی و کیفیت نهادی (شاخص کارآفرینی و فضای کسب و کار) کشورهای در حال توسعه وجود دارد و دلیل آن هم به ارتقای توسعه سرمایه انسانی و نوآوری و هزینه‌های بیشتر تحقیق و توسعه در این کشورها است و در نهایت با شکل‌گیری استارت آپ‌های فناوری محور و حمایت‌های خصوصی و دولتی در تجاری‌سازی مقیاس تولید آن‌ها به تقویت انگیزه خلاقیت پروری نسل‌های جدید و اعتماد به نفس در موفقیت کارآفرینی‌های نوپا می‌گردد.

جدول (۶). نتایج تخمین معادله شاخص کیفیت نهادی با رویکرد سیستمی داده‌های ترکیبی

INSTit = C + β1 Growthit + β2DBAit + β3EGit + ENTRit + eit Method: Two-Stage Least Squares				
نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-value
عرض از مبدأ (C)	۴۷/۸۵۵۲	۲/۹۶۷۶۳۴	۱۶/۱۲۵۷	۰/۰۰۰۰۳
Growth	۵/۶۷۵۵۵	۰/۶۴۶۳۱۱	۸/۷۸۱۴	۰/۰۰۰۰۲
DBA	۰/۶۳۱۵۵	۰/۰۳۳۶۶	۱۸/۷۶۲۶	۰/۰۰۰۰۴
EG	۰/۷۸۵۵۶	۰/۰۳۶۶۴	۲۱/۴۳۵۶	۰/۰۰۰۰۳
ENTR	۰/۹۶۳۱۴۱	۰/۰۶۸۸۶۶	۱۳/۹۸۵۷	۰/۰۰۰۰۲
آماره رگرسیون	R2 = ۰/۹۴۳۶۶	F=۱۸/۸۲۲۱	F= ۰/۰۰۰۰۰۰۲	D.W=۱/۸۶۶۴۱

منبع یافته‌های پژوهش

بنابراین تأثیر فضای کسب و کار مساعد، بر افزایش جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ایجاد اشتغال و رشد تولید ناخالص داخلی مشهود است. با وجود این، طی سال‌های پس از اعلام آمارهای جهانی از رتبه‌بندی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه جایگاه کشور مطرح می‌شود. این شرایط موجب شده بهبود فضای کسب و کار با توجه به چالش‌های پیش روی اقتصاد کشور به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شود. با این وجود به نظر می‌رسد هنوز هم بسترهای مناسب برای ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری و کسب و کار در کشور چندان فراهم نبوده و برای رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد ایران در زمینه شاخص فضای کسب و کار، فراهم کردن

برخی زیرساخت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین توجه به مبادله به عنوان خاستگاه هزینه باعث شده مفهوم هزینه مبادله در سه بخش بازار، بنگاه و نهاد مورد بررسی قرار گیرد. بحث نهادها و ایجاد محیط نهادی می‌تواند عاملی برای شاخص‌سازی هزینه مبادله باشد. از همین روی چنانچه در محیط نهادی هر یک از نهادهای موجود از قبیل قوانین و مقررات، قواعد، عادات، رسوم، سنت‌ها و ... که در پیشبرد معاملات از اهمیت فراوانی برخوردار هستند، پیچیده‌تر و دشوارتر گردند، مبادله نیز به‌سختی شکل می‌گیرد و هزینه‌های زیادی را بر دوش طرفین مبادله قرار می‌دهد. در نتیجه، ایجاد یک محیط نهادی امن و آزاد که به‌واسطه‌ی ترتیبات نهادی مناسب حاصل آمده، مبادلات را آسان‌تر می‌کند و هزینه مبادله را کاهش می‌دهد.

بر اساس الگوی برآورد شده متغیرمستقل شاخص مقررات کسب و کار انتظار می‌رود مثبت و معنادار باشد و افزایش بهبود فضای کسب و کار باعث افزایش رشد اقتصادی در این کشورها از جمله ایران شود. بر این اساس، با افزایش شاخص فضای کسب و کار و ارتقای سطح اطمینان سرمایه‌گذاران و فراهم نمودن شرایط مناسب برای فعالیت آن‌ها، رشد اقتصادی خود را افزایش دهند. در واقع زمانی که موانع اداری برای ایجاد یک کسب و کار کاهش یابد و مقررات دست و پاگیر و زمان‌بر از بین برود و شفافیت اطلاعات بازار کار و پیش‌بینی آینده یک کسب و کار برای کارآفرین میسر شود و سیاست‌های تشویقی دولت مانند کاهش مالیات، وام‌های کم بهره و بازپرداخت طولانی مدت افزایش یابد، کارآفرین با امید و انگیزه بیشتری وارد بازار کار می‌شود.

با بررسی بیشتر می‌توان در توضیح تأثیر مثبت ضریب متغیر هزینه دولت در آموزش بر رشد اقتصادی می‌توان گفت باتوجه به این که در قوانین موجود، برخورداری از همه افراد از آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح و تسهیل آموزش عالی است، که اثرات ضریب مثبت آن نیز برای معادله شاخص کیفیت نهادی (کارآفرینی نوپا و فضای کسب و کار) مثبت و معنادار شده است؛ که این موضوع نشان می‌دهد هر چه دولت در زمینه

آموزش، هزینه‌هایی با برنامه‌ریزی درست و هدفمند انجام دهد و در جهت آموزش کارآفرینی در مراکز آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها تلاش کند؛ انگیزه، خلاقیت و خلق ایده‌های جدید و در نتیجه کارآفرینی نوپا افزایش می‌یابد و در نهایت از یک بعد، سرمایه انسانی به عنوان یک عامل مستقیم ایجاد درآمد و تولید و همچنین به عنوان عامل ایجاد و بکارگیری سرمایه فیزیکی و تکنولوژی، می‌تواند به طور مستقیم نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی داشته باشد. از این بعد، سرمایه انسانی تا حد زیادی متأثر از چارچوب نهادی است. از بعد دیگر، سرمایه انسانی نقشی قاطع در شکل‌دهی و تحول نهادها، به‌عنوان عوامل بنیادی تولید دارد. از این بعد، سرمایه انسانی مؤثر بر چارچوب نهادی است. بنابراین لازم است این دو بعد سرمایه انسانی و نیز ساز و کارهای تعامل آن‌ها با نهادها مورد بحث قرار گیرند.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل شده از شاخص کیفیت نهادی و به این دلیل که ضریب شاخص مقررات کسب و کار مثبت است، می‌توان گفت این متغیر (شاخص مقررات کسب و کار) تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته و با توجه به این که متغیر شاخص کیفیت نهادی (کارآفرینی نوپا و فضای کسب و کار) که به عنوان متغیر مستقل در معادله مربوط به نرخ رشد اقتصادی وجود دارد، دارای اثرات مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی است، با توجه به موارد بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت شاخص کیفیت نهادی (فضای کسب و کار) با تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص کیفیت نهادی به طور غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است و فرضیه اول مبنی بر تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی با توجه به معناداری ضرایب و مثبت بودن آن، پذیرفته می‌شود. از طرف دیگر شاخص کیفیت نهادی به عنوان متغیر مستقل در معادله رشد اقتصادی وجود دارد، ضریب متغیر شاخص کیفیت نهادی مثبت است که بیانگر تأثیر

مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی است و فرضیه دوم مبنی بر تأثیر شاخص کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی را تأیید می‌کند. شاخص کیفیت نهادی (فضای کسب و کار) که به عنوان متغیر مستقل در معادله رشد اقتصادی در نظر گرفته شده مثبت و معنادار بوده و تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص کیفیت نهادی دارد، لذا فرضیه سوم نیز پذیرفته می‌شود.

می‌توان نتیجه گرفت ارتباط مثبت میان شاخص مقررات کسب و کار و رشد اقتصادی بیانگر آن است که هر قدر در یک کشور مقررات سالم و کارآمد و فضای مناسب کسب و کار برقرار باشد، باعث ایجاد یک محیط رقابتی شده و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر می‌شود که این موضوع خود باعث رشد اقتصادی می‌گردد. از سوی دیگر رابطه مثبت میان شاخص کیفیت نهادی نشان می‌دهد بهبود شرایط محیط کسب و کار و کاهش بروکراسی اداری بستر را برای ورود کارآفرینان به عرصه فعالیت‌های اقتصادی مهیا و این فرآیند به رشد اقتصادی کمک می‌کند. فضای کسب و کار به آن دسته از عوامل موثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی گفته می‌شود که مدیران بنگاه‌ها نمی‌توانند آن‌ها را تغییر داده یا بهبود بخشند. آزاد بودن و شفافیت قیمت‌ها، رقابتی بودن بازار و حفظ حقوق مالکیت سه شرط لازم برای فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و کارآبودن اقتصاد است و نقش دولت در بهبود این فضا و فراهم آوردن شرایط مناسب جهت جذب فعالیت بخش خصوصی بسیار مهم است. تجربه جهان نشان می‌دهد تنها در شرایط مساعد کسب و کار، یک بنگاه می‌تواند به صورت کارآ و بهینه عمل کند.

بنابراین در بیان ساده و صریح، می‌توان اذعان داشت که بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. تأثیر فضای کسب و کار بر سرمایه‌گذاری را می‌توان از حوزه‌های استراتژیک توسعه صنعتی ایران تلقی کرد که عمدتاً ناشی از عواملی چون بهره‌وری و اشتغال نیروی کار،

سرمایه‌گذاری، آزادی‌های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت‌های تولیدی است. از طرف دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه رقابت‌پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار از عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری کشورها در اقتصاد جهانی است. بهبود شرایط و شاخص‌های فضای کسب و کار از جمله توسعه نظام بانکی و کاهش زمان لازم برای اخذ مجوز، رشد و پویایی در هر کشوری را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که با افزایش اعتبارات و دارایی‌های بانکی به‌عنوان پشتوانه و تأمین‌کننده اصلی مالی در اکثر کشورها مطرح است و باعث بهبود فضای کسب و کار و تولید کشور می‌شود.

از نتایج به دست آمده می‌توان استنتاج کرد که نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی‌تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک از درجه اهمیت بیشتری برای توسعه اقتصادی برخوردار هستند. اما باید توجه داشت، همان‌طور که اشاره شد، اثر دموکراسی بر توسعه انسانی بیشتر به عوامل نهادی دیگر نظیر حقوق مالکیت و حقوق مدنی بستگی دارد، چرا که در صورت وجود چنین نهادهایی دموکراسی از طریق پاسخگو نگه داشتن مسئولان، شفافیت در عملکرد و جریان اطلاعات و همچنین اتخاذ تصمیمات مردمی که نمونه عالی آن را می‌توان ملاحظه نمود، باعث بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود.

علاوه بر آزمون شاخص‌های شش‌گانه حاکمیتی به‌طور جداگانه متوسطی از این شاخص‌ها تحت‌عنوان شاخص حکمرانی خوب نیز مورد آزمون واقع شده است. ضریب به دست آمده برای این شاخص کلی مطابق پیش‌بینی، مثبت و معنادار بوده و بیانگر این است که حکمرانی خوب یعنی داشتن دولتی توانمند که به وظایف حاکمیتی خود به خوبی عمل نموده و باعث تشویق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و ممانعت از فعالیت‌های ضدتولیدی نظیر فساد، رانت‌جویی و غیره گردد.

لذا با توجه به مطالب بیان شده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. موجودی سرمایه انسانی بر حسب مهارت‌های شناختی کسب شده در نظام

آموزشی در سطح پایینی قرار دارد. به منظور ارتقاء عملکرد اقتصادی لازم است، برنامه‌های آموزشی با رویکرد نیل به سطوح بالای یادگیری در حوزه شناختی، یعنی ایجاد توانایی حل مسأله و ارتقاء خلاقیت تقویت شوند.

۲. سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی در صورتی به بهبود عملکرد اقتصادی منجر می‌شود که چارچوب نهادهای اقتصادی موجود مشوق تولید و نه رانت جو باشد. از این‌رو لازم است حاکمیت قانون و به‌ویژه قوانین مربوط به حقوق مالکیت به روشنی تعریف شده و به قوت اجرا شوند. حقوق مالکیت خود بخش مهمی از حقوق بشر است.

۳. شکل‌گیری و تداوم حیات کسب و کار، نیاز به عوامل و بسترهای مساعد محیطی، عوامل اقتصادی (نرخ مناسب تورم، رشد اقتصادی)، بسترها و زیرساخت‌ها از جمله اخذ مجوز آسان، قوانین مناسب جهت حمایت از مالکیت فکری، قوانین مناسب مالیاتی و... دارد؛ توجه به تسهیل فضای کسب و کار با فراهم نمودن شرایط مناسب جهت ظهور کسب و کارهای کارآفرینانه و به ویژه فناوری محور، زمینه توسعه اقتصادی را فراهم نماید.

۴. فضای کسب و کار از حوزه‌های استراتژیک توسعه صنعتی و توسعه فضای کسب و کار است که ناشی از عواملی چون بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه‌گذاری، آزادی‌های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت‌های تولیدی است. از سوی دیگر، باتوجه به این که سلامت محیط کسب و کار از عوامل رقابت‌پذیری کشورها در اقتصاد جهان است، می‌توان با آسان‌سازی و حفظ ثبات در قوانین و عدم تغییرات مکرر قوانین مربوط به مقررات کسب و کار، سلامت محیط کسب و کار را فراهم و راه رسیدن به پیشرفت و توسعه اقتصادی را هموار نمود.

لیست کشورها:

آلبانی	بوتان	چین	گامبیا	کنیا	موریتوس	پاناما	آفریقای جنوبی	امارات
الجزایر	بولیوی	کلمبیا	گرجستان	کره	مکزیک	پاراگوئه	سريلانكا	اوروگوئه

ازبکستان	گینه بیسائو	پرو	مغولستان	کویت	غنا	کوموروس	بوسنی	آنگولا
ویتنام	سورینام	فیلیپین	مراکش	قرقیزستان	گواتمالا	برزیل	جمهوری کنگو	آرژانتین
زامبیا	تاجیکستان	قطر	موزامبیک	لاتوس	کاستاریکا	کامبوج	برونئی دارالسلام	ارمنستان
اوگاندا	تانزانیا	رومانی	مینامار	لبنان	گویانا	سودان	بلغارستان	آذربایجان
سیرالئون	تایلند	روسیه	نامیبیا	لیبریا	هائیتی	قبرس	برکینافاسو	باهاماس
پاکستان	توگو	رواندا	نیپال	مقدونیه	هندوراس	دومینیک	بروندی	بحرین
موریتانی	تونگا	ساموئا	نیکاراگوئه	ماداگاسکار	هند	اکوادور	دموکراتیک کنگو	بنگلادش
قزاقستان	ترینیداد و توباگو	عربستان	نیجر	مالاوی	اندونزی	مصر	کامرون	باربادوس
گابن	تونس	سنگال	نیجریه	مالزی	ایران	السالوادور	آفریقای مرکزی	بلاروس
شیلی	ترکیه	صربستان	عمان	مالی	جامائیکا	چاد	گینه استوایی	بلیز
								بنین

منابع:

- Acemoglu D., Simon J. & Robinson, J.A. (2001). The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation. *American Economic Review*, 91(5), 1369-1401.
- Acemoglu, D. (2009). *Introduction to Modern Economic Growth*. New Jersey, Princeton University Press.
- Acs, Z.J., Audretsch, D.B., Braunerhjelm, P. & Carlsson, B. (2005). Growth and entrepreneurship: an empirical assessment. Papers on entrepreneurship, growth and public policy. Max Planck Institute of Economics Entrepreneurship, No. 3205.
- Afonso, A., & Aubyn, M.S. (2005). Non-parametric approaches to education and health efficiency in OECD countries. *Journal of applied economics*, 8(2), 227-246.
- Aghion, P., & Howitt, P. (1998). *Endogenous Growth Theory*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Aidis, R., Estrin, S. & Mickiewicz, T. (2008). Institutions and entrepreneurship development in Russia: A comparative perspective. *Journal of Business Venturing*, 23(6), 656-672.
- Alexandrova, M. (2004). Entrepreneurship in a transition economy: The impact of environment on entrepreneurial orientation. *Problems and Perspectives in Management*, 2(2), 140-148.
- Amaghouss, J. & Ibourk, A. (2013). Entrepreneurial Activities, Innovation

- and Economic Growth: The Role of Cyclical Factors: Evidence from OECD Countries for the Period 2001-2009. *International Business Research*, 6(1), 153-162.
- Aparicio, S. Urbano, D. & Audretsch, D. (2016). Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: Panel data evidence. *Technological Forecasting and Social Change*, 102(12), 45-61.
 - Appleton, S., & Teal, F. (1998). *Human capital and economic development*. African Development Bank Group.
 - Asghar, N., Hussain, Z., & Rehman, H. U. (2012). The impact of government spending on poverty reduction: Evidence from Pakistan 1972 to 2008. *African Journal of Business Management*, 6(3), 845-853.
 - Bakhtiary, S. & Shaesteh, A. (2012). Investigating the Impact of Improving Business Environment on Economic Growth in Selected Countries with Emphasis on Iran. *Quarterly Journal of Economic Sciences*, 6(19), 176-204 (In Persian).
 - Baldacci, M. E., Cui, Q., Clements, M. B. J., & Gupta, M. S. (2004). Social spending, human capital, and growth in developing countries: Implications for achieving the MDGs. International Monetary Fund, No. 4-217.
 - Barro, R. J., & Lee, J.W. (1993). International comparisons of educational attainment. *Journal of monetary economics*, 32(3), 363-394.
 - Boikos, S. (2013). Corruption, Public Expenditure, and Human Capital Accumulation. the Rimini center for economic analysis, working paper, No. 17-13.
 - Carrin, G., Mathauer, I., Xu, K., & Evans, D. B. (2008). Universal coverage of health services: tailoring its implementation. *Bulletin of the World Health Organization*, 86, 857-863
 - Castaño M. S. Méndez, M.T. & Galindo, M.A. (2016). The effect of public policies on entrepreneurial activity and economic growth. *Journal of Business Research*, 69 (11), 5280-5285.
 - Chakroun, M. (2010). Health care expenditure and GDP: An international panel smooth transition approach. *International Journal of Economics*, 4(1), 189-200.
 - Colletaz, G., & Hurlin, C. (2006). Threshold effects of the public capital productivity: an international panel smooth transition approach. HAL Id: halshs-00008056.
 - Dawson, J.W. (2006). Regulatory, Investment and Economic Growth A Cross Countries. *Journal of Cato*, 26(3), 48-91.
 - Dehghan Shabani, Z., & Afarineshfar, S. (2014). Analysis of the effect of business environment on the attraction of foreign direct investment in Iran and selected countries. *Iranian Economic Research Quarterly*, 20(62), 1-30 (In Persian).
 - Devarajan, S., Swaroop, V., & Zou, H.F. (1996). The composition of public expenditure and economic growth. *Journal of monetary*

- economics*, 37(2), 313-344.
- Devece, C., Peris-Ortiz, M. & Rueda-Armengot, C. (2016). Entrepreneurship during economic crisis: Success factors and paths to failure. *Journal of Business Research*, 69(11), 5366-5370.
 - Dissou, Y., Didic, S., & Yakautsava, T. (2016). Government spending on education, human capital accumulation, and growth. *Economic Modelling*, 58, 9-21.
 - Distaso, A. (2007). Well-being and/or quality of life in EU countries through a multidimensional index of sustainability. *Ecological Economics*, 64(1), 163-180.
 - Djankov, S., McLiesh, C. & Ramalho, R.M. (2006). Regulation and growth. *Economics Letters*, 92(3), 395-401.
 - Dreger, C. & Reimers, H.E. (2005). Health Care Expenditures in OECD Countries: A Panel Unit Root and Cointegration Analysis. *International Journal of Applied Econometrics and Quantitative Studies, Euro-American Association of Economic Development*, 2(2), 5-20.
 - Edeme, R.K., Emecheta, C., & Omeje, M.O. (2017). Public Health Expenditure and Health Outcomes in Nigeria. *American Journal of Biomedical and Life Sciences*, 5(5), 96-102.
 - Eliasson, G. (1996). Spillovers, integrated production and the theory of the firm. *Journal of Evolutionary Economics*, 6(2), 125-140.
 - Fakin, B., & Crombrughe, A. (1997). Fiscal Adjustments in Transition Economies: Social Transfers and the Efficiency of Public Spending: a Comparison with OECD Countries. World Bank Publications, No. 1803.
 - Fayissa, B., & Nsiah, C. (2013). The impact of governance on economic growth in Africa. *The Journal of Developing Areas*, 47(1), 91-108.
 - Gillanders, R. & Whelan, K., (2010). Open for business? Institutions, business environment and economic development. Working Paper, No. 201040, School of Economics, University College Dublin.
 - Gojarati D. (1998). *Basic Econometrics*. translated by Hamid Abrishami, Tehran, University of Tehran Press, 2, Second Edition, 770 (In Persian)
 - Hekmati Farid, S., Mohammadzadeh, E., & Khazali, D. (2016). The Effect of Improving Business Environment and Observance of Intellectual Property Rights on the Economic Growth of Medium- and Upper Income Countries. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 6, 22, 119-130 (In Persian).
 - Holcombe R.G. (1998). Entrepreneurship and economic growth. *Quarterly journal of Austrian economics*, 1(2), 45-62.
 - Hosaein Zadeh Bahraeni, M., Fallahi, M.A., Erfani Jahanshahi, Y. (2012). The Impact of Business Regulation on Economic Growth (Selected from Developed and Developing Countries). *Journal of Regional Economics and Development*, 3, 101-121 (In Persian).
 - Kirzner I.M. (1973). *Competition and entrepreneurship*. Publisher

University of Chicago Press.

- Klapper, L. & Inessa, L. (2011). The Impact of Business Environment Reforms on New Firm Registration. *World Bank Policy Research*, 33(2), 60-89.
- Lever, M.H.C. & Nieuwenhuijsen, H.R. (1999). *The impact of competition on productivity in Dutch manufacturing. Innovation, Industry Evolution and Employment*. Cambridge University Press.
- Li, H., Yang, Z., Yao, X., & Zhang, J. (2009). Entrepreneurship and growth: Evidence from China. Discussion papers, 22.
- Lucas, R. E. (1988). On the mechanics of economic development. *Journal of Monetary Economics*, 22(1), 3-42.
- Mahdavi Adeli M.H., Hosaenzadeh Bahraini M., & Javadi A. (2008). The effect of good governance on attracting foreign direct investment in middle-income countries. *Knowledge and Development*, 15(24), 85-102 (In Persian).
- Mairesse, J. & Mohnen, P. (2001). To be or not to be innovative: an exercise in measurement. National Bureau of Economic Research, NBER Working Paper, 8644.
- Manki, N. Romer, G. & Weil, D. (1992). A contribution to the empirics of economic growth. *Quarterly Journal of Economics*, 107(2), 407-437.
- Martin, M.A.G., Picazo, M.T.M. & Navarro, J.L.A. (2010). Entrepreneurship, income distribution and economic growth. *International entrepreneurship and management journal*, 6(2), 131-141
- Mehrabani F., Abdollahi F., & Basirat M. (2016). The Effect of Business Environment on Iran's Economic Growth, MENA and OECD Countries Using the Generalized Torque Method. *Quarterly Journal of Strategic and Macroeconomic Policies*, 13, 65-96 (In Persian).
- Najjarzadeh Noshabadi, A., Mehranfar, J., & Tabarsi, M. (2012). The Role of Productive and Non-Productive Entrepreneurship in Economic Growth. *Quarterly Journal of Planning and Budget*, 17(3), 130-115 (In Persian).
- North, D.C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Publisher Cambridge University Press.
- North, D.C. (1994). Economic Performance Through Time. *The American Economic Review*, 84(3), 359-368.
- Nyström, K. (2010). Business Regulation and Red Tape in the Entrepreneurial Economy. CESIS and the Division of Economics, KTH and the Ratio Institute, Stockholm, 225.
- Rodrik, D., Subramanian, A. & Trebbi, F. (2004). Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development. *Journal of Economic Growth*, 9, 131-165.
- Romer, P.M. (1986). Increasing Returns and Long-Run Growth. *Journal of Political Economy*, 94(5), 1002-1037.
- Romer, P.M. (1990). Endogenous Technical Change. *Journal of Political Economy*, 98(1), 71-102.

- Sabahi, A., Najimedani, A., Solaemani, A. (2013). Investigating the effect of entrepreneurship on economic growth in selected countries. *Economic Growth and Development Research*, 3(11), 18-9 (In Persian).
- Salgado-Banda, H. (2004). Measures and Determinants of Entrepreneurship: An Empirical Analysis. discussion paper in economics-birkbeck college, University of London.
- Schumpeter, J.A. (1934). *Theory of economic development*. Cambridge, Harvard University Press.
- Shahabadi, A., Amiri, B., & Ganji M. (2017). The effect of governance index on inflation in G7 countries. *Quantitative Economics*, 14(3), 161-185 (In Persian).
- Shahbazi, K., Hekmatifarid, S., & Rezaee, H. (2015). Investigating the Impact of Good Government and Governance on Energy Intensity: A Case Study of OPEC Member Countries. *Applied Theories of Economics*, 2(4), 23-48 (In Persian).
- Shirley, M. (2008). *Institutions and development Handbook of new institutional economics*. Springer Berlin Heidelberg.
- Solow, R. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 70(1), 65- 94.
- Ahmad, R., & Hasan, J. (2016). Public health expenditure, governance and health outcomes in Malaysia. *Journal Ekonomi Malaysia*, 50(1), 29-40.
- Shahabadi, A., Kordbacheh, H., Hajiazizi, P. (2019). The impact of entrepreneurship on the total productivity of factors of production. *Quarterly Journal of Economics and Modelling*, 98(2), 185-209 (In Persian).

Investigating the Effects of Institutional Factors and Human Capital on Economic Growth

Shahrokh Saeidi*
Hossein Samsami (Ph.D)*
Parviz Davoodi (Ph.D) *

Received:
13/12/2021

Accepted:
20/07/2022

Abstract:

In this study, the effects of institutional factors and human capital on economic growth in developing countries are examined. For this purpose, by using the panel data during the years 2010-2018 for a selection of developing countries, the results show that institutional factors such as indicators of business regulation and emerging entrepreneurship foreign direct investment, human capital and the formation of gross domestic fixed capital has a positive and significant effect on the economic growth of selected countries. In addition, the business regulation index, government spending on education and economic growth rate has a positive and significant effect on the business climate index in developing countries. Therefore, based on the findings of the study, the need for development oriented strategic planning in order to implement institutional and legal requirements to facilitate business environment and encourage entrepreneurship, as well as reform and changing general, vocational and specialized education programs with the approach of training potential entrepreneurs, can provide suitable conditions for the emergence of entrepreneurial businesses, especially technology based.

Keywords: *Business Environment, Institutional Quality, Economic Growth, Panel Data.*

JEL Classification: *K12, K13, K56.*

* Ph.D Candidate in Economics, Faculty of Human Sciences, Edalat University, Tehran, Iran (Corresponding Author), Email: Sh.saeidi@ed.alat.ac.ir

* Assistant Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: H-samsami@sbu.ac.ir

* Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: P-davoodi@sbu.ac.ir